



بسم الله الرحمن الرحيم

گذری بر جلسات قبل

در تربیت خانوادگی، بحث را به چند ساحت تقسیم کردیم. عرض کردیم که یک ضوابط و قواعد کلی داریم که نسبت به همه ساحت‌ها شمول دارد و خط و مشی تربیت خانوادگی را با نگاه فقهی روشن می‌کند. علاوه بر آن در بعضی ساحت‌ها به طور ویژه و خاص، خودِ شارع وارد شده و احکام اصول و روش‌هایی را مقرر فرموده است. تربیت در بحث ما مقداری از هم‌گسیختگی داشت که به طور خاص، سه چهار ساحت را بحث کردیم. در اواخر به سمت قواعد کلی رفتیم. منتهی تربیت جنسی که ساحت ویژه‌ای است، مجدداً مطرح کردیم. طبعاً تنظیم منطقی این است که در ابتدا ما قواعد و ضوابط و خطوط کلی که بر همه ساحت‌ها پرتو افکن است را بیان کنیم، بعد هم به طور خاص آن ساحت‌ها را مطرح کنیم. تنظیم نهایی این‌طور درست است.

تربیت جنسی

اما ساحت تربیت جنسی که در شرع به طور خاص مورد ملاحظه و عنایت قرار گرفته است، بحث می‌کردیم. گفتیم چند ساحت به طور ویژه در شریعت مورد عنایت قرار گرفته است:

۱. ساحت تربیت اعتقادی و عبادی بخصوص عبادی

۲. تربیت اخلاقی-عاطفی

۳. تربیت جنسی

ساحت‌های دیگر را کم و بیش داشتیم، اما به این توسعه و گستردگی نبود.

مراقبت‌های جنسی

ساحت جنسی هم از ساحت‌ها و قلمروهایی است که در آن، ادله خاصه، فراتر از قواعد عامه و کلی، نسبتاً بیش‌تر وجود دارد. در این بحث، یک محور مراقبت‌های جنسی بود. در این محور کلی چند عنوان وجود دارد:

۱- تفریق المضاجع

یک عنوان همان جداسازی بستر است که تحت عنوان «تفریق المضاجع» بود که مستند به حدود ده روایت بود که یکی دو تا از آن‌ها معتبر بود و ده پانزده نکته در فقه‌الحديث آن روایات بیان شد.



۲- تمرین دادن بچه‌ها به اذن گرفتن در اوقات سه‌گانه

امر دومی که در ذیل مراقبت‌های جنسی است، تمرین دادن برای این‌که بچه‌ها در رفت و آمدشان به اتاق خواب و محل خواب و استراحت پدر و مادر یا کسانی که در خانه هستند یا محارمی که در خانه هستند، اجازه بگیرند. یک بحث این است که خود بچه‌ها در موقع خواب و استراحت پدر و مادر و محارم، رفت و آمد نکنند مگر با اجازه و اذن از آن‌ها؛ که باید ببینیم حکم در این باره چیست؟ یکی هم بعد تربیتی است. این یک بعد فقهی اخلاقی است که خودش باید رعایت کند.

بعد دیگر آن است که پدر و مادر در مقام تربیت، آن‌ها را آشنا بکنند و نسبت به این اجازه‌گیری تمرین بدهند. یعنی طوری تربیت کنند که بچه توجه داشته باشد که بعد از تمیز، اجازه بگیرد. بدون اجازه در مواقع خاص که مواقع ویژه است رفت و آمد نکند. که آیه سه موقع رابه عنوان مصادیق بارز برشمرده شده است.

این دومین مراقبت تربیتی در حوزه تربیت جنسی است. این امر و دستور تربیتی طبق بعضی از برداشتها و مجموعه‌ای از روایاتی که در ارتباط با آیه وارد شده است، مستند به آیه‌ای از قرآن می‌باشد. ما در ابتدای بحث این آیه شریفه و روایاتی که ذیلش موجود است را می‌خوانیم و نسبت به اینها ملاحظه اجمالی خواهیم داشت تا بعد هم به نکات و دقائقی که در آیه هست پردازیم.

نکات آیه ۵۸ و ۵۹ سوره نور

سوره نور از سوره‌هایی است که محور مهم آن همین بحث‌های خانوادگی است؛ مانند نکاح، مباحث خانوادگی، ارتباط دو جنس مخالف و این مقوله‌ها که آیات زیادی در این باب در این سوره نازل شده است. دو آیه پنجاه و هشت و پنجاه و نه مرتبط با مبحث ما، در تربیت خانوادگی و تربیت جنسی و قلمرو مراقبت‌های جنسی است.

آیه شریفه این‌طور آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» خطاب به مؤمنین است؛ اما امری که دنبالش می‌آید، امر غائب است. معمولاً می‌گوید: یا ایها الذین آمنوا إتقواالله، یا ایها الذین آمنوا چنان کنید. امر با بعد از ندای به مؤمنان، غالباً این است که امرها، امرهای حاضر و امر مخاطب است، اما در این‌جا ندا خطاب است ولی امر، امر غائب است که همین خودش نکته‌هایی ایجاد کرده و بحث‌هایی تولید کرده است.

می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ، باید اذن بگیرد الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ، عبید و بندهایی که در خانه هستند. البته ملکات ایمانکم هم عبید و هم کنیزها را شامل می‌شود. ولی در روایات، گفته شده که مقصود، عبید است. وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ و بندهایی که در خانه برای شما کار می‌کنند و کسانی از خود شما که به احتلام و بلوغ

نرسیده‌اند؛ یعنی آزاد هستند، بچه شما هستند یا کسانی که در خانه شما هستند، مقید به بچه‌ها نشده ولی بچه‌های غیرمکلفی که در خانه شما هستند فرقی نمی‌کند از خودتان هستند یا در ارتباط با شما هستند و عبید نیستند. ملکیت ایمانکم اعم است. عبید چه بالغ چه غیربالغ ولی لم یبلغ الحلم بچه‌های حر هستند که به بلوغ نرسیده‌اند.

مؤمنان! باید بندگان شما و اطفال نابالغ شما از شما اجازه بگیرند. ثَلَاثَ مَرَّاتٍ سه بار. وقت‌هایی است که آن‌ها برای ورود بر شما باید اجازه بگیرند. این وقت‌ها کی است؟ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ قَبْلَ از نماز صبح که در واقع مقصود، خواب شب است وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ هُنَّكَمَ ظَهْرٌ که لباس راحتی می‌پوشید و برای استراحت، خلوت می‌کنید. بعضی از روایات دارد که نوم قیلوله است که آن وقت این طور متداول بوده ولی سنة علما بعد این زمان را درست می‌داند وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ، بعد از نماز عشا که به نماز خفتن و شب هم معروف است، که وقت خواب است. در واقع قبل از نماز صبح و بعد از نماز عشا، یعنی فاصله‌ای که بین آن دو وجود دارد. منتهی بینش را به هم نچسبانده. شاید علتش این باشد که برای نماز شب بیدار می‌شوند و این‌ها، این سه وقتی است که باید اذن بگیرند.

ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ این سه وقت، وقت‌های آسایش و خلوت شماست. لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ بعد از این و غیر از این سه وقت، مانعی ندارد. یعنی لازم نیست که اجازه بگیرند و راحت می‌توانند بیایند و بروند. طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ در غیر این وقت طبعاً وقت رفت و آمد است. بچه‌ها خانه خودشان و خانه اقوام رفت و آمد می‌کنند. بعضی بر بعضی دیگر وارد می‌شوند. كَلَّا لَكَ يَبِينُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ «(سوره نور/آیه ۵۸) آیه بعدی می‌فرماید: «وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ این مال والذین لم یبلغ الحلم بود؛ اما إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلَيْسَتَأْذِنُوا آن‌جا باید حتما اجازه بگیرند، کَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مثل این‌که دیگران و پیشینیان اجازه می‌گرفتند؛ یعنی اینجا بعد از بلوغ، در هر حال می‌بایست اجازه بگیرند. كَذَلِكَ يَبِينُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (سوره نور/آیه ۵۹)

تا قبل از این‌که این آیه باشد، اگر ما باشیم و ظاهر آیه، این است که بچه‌های خودتان و غیر خودتان همه را در برمی‌گیرد اما چون این آیه بعد آمده، ظهور آیه به سمت بچه‌های غیر محرم می‌رود؛ یعنی بچه‌هایی که جزء محارم نیستند. آن وقت می‌گوید: بچه‌هایی که جزء محارم نیستند و در قبل از بلوغ، ممیز هستند، در این سه وقت باید اجازه بگیرند. چون قبل از بلوغ، نگاه به مو و این‌ها مانعی ندارد. منتهی آن سه وقت چون خلوت ویژه است، باید اجازه بگیرند. محارم نیستند. بعد از بلوغ آن وقت می‌گوید: «کَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» یعنی بالغ و نامحرم است. هر وقت می‌خواهد بیاید و برود، باید اجازه بگیرد. منکم یعنی آزاد هستند. ما ملکیت ایمانکم نیستند. اگر آیه اول بود این طور معنا می‌کردیم لم یبلغ الحلم که می‌گفتیم بچه‌های خودتان و محارم و غیر محارم و همه آن‌هایی که با هم رفت و آمد دارید، همسایه یا اقوام، محرم و غیر محرم، همه را در برمی‌گیرد؛ ولی چون می‌خواهد تقابل با بعد درست شود می‌گوییم:



این مربوط به بچه‌های خودشان نیست بلکه بچه‌های غیر محارم است، چون در غیر محارم است که قبل از بلوغ و بعد از بلوغ فرق می‌کند و بعد از بلوغش یستأذنوا می‌شود. مطلقاً باید اجازه بگیرند و الا اگر محارم باشد باز هم معنا ندارد بگوئیم مطلقاً باید اجازه بگیرند. بعد از بلوغ وقتی خاله یا مادرش است می‌تواند بیاید و برود.

سؤال: ???

اولی ظهورش این است ولی چون بعد، قرینه تقابل داریم «و إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ» اطفال به احتلام رسیدند باید مطلقاً اجازه بگیرند. معلوم می‌شود که غیر محارم است و الا اگر محارم باشد فرقی نمی‌کند.

سؤال: ???

بچه‌های خودشان بعد از بلوغ در همه حالات واجب است اجازه بگیرند. چنین فتوایی وجود ندارد. مطلق است. «يَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ».

سؤال: ???

آن می‌گوید سه وقت، این می‌گوید مطلقاً باید اجازه بگیرد.

دو سه احتمال اینجا هست که باید بحث کنیم در ابتدا روایاتش را می‌خوانیم و سپس وارد بحث می‌شویم. نکته را مجدداً بحث می‌کنیم.

بررسی روایات پیرامون آیه

در ذیل این آیه‌ای که این‌جا آمده است، روایاتی در وسائل، کتاب النکاح، ابواب مقدمات نکاح، باب صد و بیست و یک آمده است که در کتاب موسوعة الاحکام الاطفال، جلد سه، صفحه چهار صد و نود و هفت به بعد بحث کرده و اقوال علما را ذکر کرده است. آن را ببینید کمک بزرگی به بحث ما می‌کند گر چه سریع رد شده است.

چون این بحث در کتب فقهی ما در مقدمات فقهی به آن اشاره شده، در آن‌جا نیز به کتاب آقای خوئی و مستدرک و جواهر اشاره کرده است. روایاتی که ذیل این آیه شریفه آمده و مرتبط با آن بحث است، باب صد و بیست و یک، ابواب مقدمات نکاح است و در ذیلش هم روایاتی که در مستدرک بیان شده، آمده است. کتاب وسائل که جدیداً به چاپ رسیده مستدرک و وسائل را با هم دارد؛ و این بحث در جلد هفده، صفحه دویست و بیست و دو آمده است.

حال روایات این باب را ما مرور می‌کنیم. من این روایات را از آیه جدا نکرده‌ام؛ چرا که در روایات، مطلب خاصی نیست. یکی دو روایت را می‌بینیم سپس در باب خود آیه بحث می‌کنیم. حدود ده بحث در ذیل آیه داریم. البته یک بار دیگر هم این آیه را بحث کردیم منتهی این‌جا به صورت مبسوط به آن می‌پردازیم چون مستقیم با بحث ما در ارتباط است.

۱. روایت اول را محمد بن یعقوب از عده‌ای از اصحاب نقل می‌کنند: «محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا عن احمد بن ابی عبدالله و عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد جمیعاً عن محمد بن عیسی عن یوسف بن عقیل عن محمد بن قیس، ظاهراً معتبراً باشد. البته در یوسف بن عقیل تردید کردم. روایت این‌طور است: امام باقر سلام‌الله علیه یوسف بن عقیل و محمد بن قیس محمد بن قیس ظاهراً توثیق دارد ولی در یوسف بن عقیل تردید پیدا کردم. «یا ایها الذین آمنوا لیستأذنکم الذین ملکتم ایمانکم والذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلاث مرّات من قبل صلاة الفجر وحين تضعون ثيابکم من الظهيرة و من بعد صلاة العشاء ثلاث عورات لکم لیس علیکم ولا علیهم جناح بعدهن طوافون علیکم بعضکم علی بعض» تا اینجا حضرت آیه را خوانده ولی ذبلش مطالبی دارد که روایت از کافی نقل شده و در ذیل آن در باب قبلی، حدیث چهار آمده است. یعنی باب صدو بیست حدیث چهار که در ادامه و ذیل آن است. آن‌جا دارد که حضرت فرمودند: «و من بلغ الحلم منکم فلا یلج علی أمه و لا علی أخته و لا علی ابنته و لا علی من سوی ذلک إلیا یأذن» در روایت می‌گوید: نباید نه بر مادر و نه خواهرش و نه دخترش و نه غیر این‌ها وارد نشود، مگر به اذن که ذلک إلیا یأذن و لا یؤذن لأحد حتی یسلم فإن السلام طاعة الرحمن»^۱

در این روایت که شاید معتبر باشد، نکته‌ای است و آن این که تعمیم داده و شامل بچه خودش و هم غیر خودش می‌شود و با توجه به علی من سوا ذلک همه بچه‌هایی که به خانه رفت و آمد دارند را در بر می‌گیرد. (ذهن من بود که توثیق دارد ولی الآن تردید کردم).

۲. روایت دوم: «عنه عن أحمد عن أبيه عن خلف بن حماد عن ربعي بن عبد الله عن الفضيل بن يسار عن أبي عبد الله ع في قول الله عز وجل يا أيها الذین آمنوا لیستأذنکم الذین ملکتم ایمانکم والذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلاث مرّات» از حضرت سؤال شد: من هم؟ مقصود از این‌ها چه کسانی هستند؟ فرمودند: «هم المملوکون من الرجال والنساء و الصبیان الذین لم یبلغوا یستأذنون علیکم عند هذه الثلاثة العورات» آیه را تفسیر کرده و نکته خاصی ندارد. وسائل، کتاب النکاح، ابواب مقدمات نکاح، باب (۱۲۰)^۲

۳. حدیث سوم: «و عنهم عن احمد عن ابیه و عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی عن الحسین بن سعید جمیعاً عن نذر بن سويدان عن قاسم بن سلیمان عن جراح مدائنی» در این روایت روی قاسم بن سلیمان سابقاً بحثی داشتیم که شاید توثیق خاصی نداشته باشد ولی جزء رجال کامل‌الزیارات است. البته این‌ها را حافظه‌ای می‌گویم. در این روایت دارد که حضرت ذیل آیه فرمود: «لیستأذن علیک خادمک إذا بلغ الحلم فی ثلاث عورات إذا دخل فی شیء منهن و لو کان بیته فی بیته» روایت می‌گوید: ولو اینکه در خانه ساکن است ولی وقتی می‌خواهد بر شما وارد

۱ - وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص: ۲۱۶.

۲ - وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص: ۲۱۷.

شود، باید اجازه بگیرد. این هم کمک می‌کند که مقصود کل خانه نیست بلکه جای استراحت است. احياناً جای ویژه‌ای بوده است. حضرت فرمود: «إِنَّمَا أَمَرَ اللَّهُ لِذَلِكَ لِلْخُلُوةِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ غَرَّةٌ وَ خُلُوةٌ». (وسائل، کتاب النکاح، ابواب مقدمات نکاح، باب ۱۲۰)، ساعت راحتی و خلوت است. مقصود جای خاص خواب است.

سؤال: ???

جای خلوت است. از آیه این را می‌فهمیم. روایت هم تأیید می‌کند. یعنی علی‌الاصول وقتی بخواهند خلوت بکنند، آن جا هستند. خود آیه هم این را افاده می‌کند و روایت هم به نحوی به آن اشاره دارد.

۴. روایت چهارم: «و عَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلْبِيِّ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ - قَالَ هِيَ خَاصَّةٌ فِي الرِّجَالِ دُونَ النِّسَاءِ» این ملکت ایمانکم مربوط به رجال است «قُلْتُ فَالنِّسَاءُ يَسْتَأْذِنُ فِي هَذِهِ الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ قَالَ لَا»^۲. بحث در مملوک است.

۵. روایت پنجم هم ملکت ایمانکم می‌گوید رجال است.

این پنج روایت است که در بطن وسائل آمده که عمدتاً از کافی نقل شده است. نکات خاصی در مجموعه روایات نبود جز در آن روایت اول که شمول بچه‌ها را می‌رساند و روایت سوم که محل خواب را تعیین می‌کند و روایت چهارم و پنج که در عبید است که در این زمان محل ابتلا نیست. این سه نکته ای است که در این پنج روایت آمده البته این نکات را در بحث‌هایی که می‌کنیم استفاده خواهیم کرد.

سؤال: ???

نکته‌اش هم این است که از احرار هستند و عبید و اماء نیستند.

در مستدرک است که سند معتبری ندارد. مطلب خاصی ندارد. از امام صادق است. روایت دوم مستدرک هم معتبر نیست و نکته‌ای فراتر از آنچه که گفتیم ندارد و سندش سند معتبری نیست. این دو روایت هم در مستدرک است که چیز خاصی ندارد که از تفسیر قمی و مجمع‌البیان نقل شده.

این آیه و مجموعه حداقل پنج روایتی است که ذیل آیه وارد شده است. البته ممکن است دو سه روایتی ذیل آیه وارد شده باشد. عمدتاً این پنج روایت است که نکته خاصی جز یکی دو مطلب نداشت.

این طرح بحث است که در ذیل این جا آمده است. چرا که ببینیم این استدلال تام است یا تام نیست؟ و چه مقدار با تربیت جنسی و مباحث تربیتی ارتباط دارد؟ مباحثی در ذیل آیه و روایات ناظر به آیه هست که به عنوان تفسیر فقهی

^۲ - وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص: ۲۱۸.



آیه، ما اینجا مطرح می‌کنیم. البته همه آن‌چه که در آیه هست نمی‌خواهیم بگوییم. آن‌چه که با این رویکرد در زاویه دید فقهی در آیه هست، مطرح می‌کنیم:

۱. اولین مطلب این است که بسیار کلیدی هم می‌باشد و آن این است که وجه این یا *أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ* چیست؟ و این سؤال که آیا در اینجا تکلیفی متوجه اولیا و بزرگ‌ترها و صاحبان خانه نسبت به بچه‌ها هست یا نه؟ یعنی یک تکلیف تربیتی اینجا هست یا فقط تکلیف اخلاقی _ فقهی برای خود بچه‌هاست؟

یک تکلیف در اینجا متوجه بچه‌ها قبل از بلوغ و بعد از بلوغ است. ما عبید و اماء را چون کاری نداریم کنار می‌گذاریم. قبل از بلوغش در آیه پنجاه و هشت و بعد از بلوغش در آیه پنجاه و نه آمده است. در این تردیدی نیست که با امر غائب آمده و متوجه آن‌هاست. می‌گوید: «*لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ*» این یک تکلیف است «*و إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ فَلَیَسْتَأْذِنُوا*» این دو یستأذِنوا امر برای بچه‌هاست. در این‌که هویت این امر و حقیقتش چه نوع امری است بعداً بحث می‌کنیم. اولین بحث ما این است که غیر از امری که متوجه آن‌هاست و این امر، امر تربیتی نیست. منظور تربیت به معنای خاص نیست. یک دستور فقهی _ اخلاقی است که خدا به بچه داده است. نکته تربیتی هم دارد. ولی تربیتی به معنای اینکه وظیفه پدر و مادر و بزرگ‌ترها در قبال کوچک‌ترها باشد در این نیست. سؤال این است که علاوه بر این امر که قبل و بعد از بلوغ با تفاوت متوجه بچه‌هاست، آیا غیر از امر اول، امری هم متوجه اولیاء و بزرگ‌ترهاست که شما این کار را بکنید؟ یعنی آن‌ها را به استیذان وادارید و یادشان بدهید که اجازه بگیرند؟ چنین چیزی در آیه هست یا نیست؟ غیر از امر مستقیم و متوجه بچه‌ها قبل و بعد از بلوغ، که یک دستور جنسی و ادب آموزی است که می‌گوید: ادب را رعایت کنید که خداوند به این کار امر می‌کند، آیا در آیه امری متوجه بزرگ‌ترها و پدر و مادر هست که آن‌ها را مأمور به این کند که بچه‌ها را به این ادب تأدیب بکنند و یادشان بدهند که اجازه بگیرند؟ که اگر این دومی باشد این یک نوع مراقبت جنسی است. یک نوع آموزش ادب برای رفت و آمدی است که ارتباط با مسائل جنسی دارد. آیا این امر دوم در اینجا هست یا نیست؟

بررسی احتمالات

ابتدائاً ممکن است بگوییم این‌جا چیزی نیست. خطاب یک امر غائب است که در واقع فاعل آن امر که مأمور می‌شود *الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا* بچه‌ها هستند. خدا می‌گوید: این‌ها باید اجازه بگیرند.

دو جور می‌توانست بگوید: یک وقتی می‌توانست به خودشان بگوید اجازه بگیرید، یک وقتی می‌گوید باید اجازه بگیرند. یک وقت می‌گوید: *احذروا* یک وقت می‌گوید: *فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ*. یک وقت می‌گوید: *إِتَّقُوا اللَّهَ* یک وقت می‌گوید: *فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ*. خطاب مال کسی است که فاعل این فعل است و او مأمور است. این‌جا در واقع یک امر است.



امر هم مال عبید و بچه‌هاست که باید اجازه بگیرند. منتهی بچه‌ها قبل و بعد از بلوغشان فرق می‌کند. ظاهر آیه همین است.

این یک احتمال است که بگوییم در آیه یک امر است. این امر هم خطاب به آنهاست. این جا تکلیفی متوجه پدر و مادرها برای این که مراقبت بکنند و یادشان بدهند نیست. این احتمال اول است.

اما احتمال دوم این است که بگوییم در آیه امری متوجه پدر و مادر یا اولیاء شده است که بعضی از مفسرین این را فرموده‌اند. در مجمع و مرحوم علامه هم این مطلب را دارد و به شکلی این آیه در امر به امر رفته است. یعنی در واقع یک امر مربوط به خود بچه‌هاست، یک امری هم به اولیاء که شما هم او را به این امر وادارید. وقتی می‌گوییم وادارید که اجازه بگیرند، مثل «قوا أنفسکم و أهلیکم نارا» است. یعنی باید یادش بدهید و باید اقدامات تربیتی کنید. پس احتمال دوم این است که علاوه بر امر اول که متوجه به بچه‌هاست، امر دومی هم متوجه به اولیاء است. آن وقت تأکید ویژه‌ای روی این نوع مراقبت جنسی و معاشرتی بچه‌ها با پدر و مادرشان یا بچه‌ها با بزرگ‌ترها در اوقات خلوت و در مسائل مربوط به خانه و... می‌شود.

این احتمال دوم چیزی است که باید دلیلی برایش بیاوریم. دلیلی که برای این مسأله آورده‌اند، نکته معانی بیانی است که اول گفتیم. گفتیم مفسرین مجمع البیان و مرحوم علامه از آن نکته‌ای که عرض کردیم، این بهره را برده‌اند. آن نکته این است که ندای خطاب در آیه، اول به یا ایها الذین آمنوا است؛ یعنی مسلمان‌ها و مؤمنین، بعد امرش به بچه‌هاست؛ یعنی بچه‌یتان باید اجازه بگیرند. قبل از بلوغ به یک شکل و بعد از بلوغ به شکل دیگر می‌باشد. این که خطاب را متوجه بچه‌ها کرده و بعد می‌گوید آنها باید اجازه بگیرند، این می‌گوید بالالتزام و بالکنایه در واقع امر دیگری این جا تولید می‌شود. اینکه خطاب با یا ایها الذین آمنوا متوجه مؤمنین است بعد امر مال بچه‌هایشان است می‌گوید: خطاب مال شماست. تکلیف مال بچه‌هاست. نمی‌شود شما بی‌تکلیف باشید. برای چه به شما خطاب کرده؟ حتماً تکلیفی دارد که خطاب را متوجه شما کرده. خطاب بدون تکلیف را عقل نمی‌پسندد. این که یا ایها الذین آمنوا بگوید ولی هیچ تکلیفی اینجا نباشد، این را نمی‌پسندد. پس حتماً در این بین تکلیفی وجود دارد. تکلیفش هم چیزی جز این که شما یادشان بدهید که اجازه بگیرند نیست. شما باید مراقبت بکنید که به این اجازه گرفتن عادت بکنند. از همان دوره تمیز هم باید شروع کنند. چرا که بعد بتوانند تحفظ کنند. آزاد نیستند هر وقت بخواهند، بیایند و بروند. یعنی خود شما هم تحفظ داشته باشید.

به شما که خطاب می‌شود، نکته‌ای دارد که البته می‌شود بگوییم دو چیز است: یکی اینکه خودتان هم مراقبت داشته باشید و دیگر این که یادشان بدهید که این کار را انجام بدهند. این وجهی است که برای این ذکر شده است. اگر ما این وجه را بپذیریم، بگوییم عرفاً هر گاه خطاب متوجه کسانی شود و امر روی کسانی برود که به نحوی تحت ولایت



آن‌ها هستند، معنایش این است که خود شما یادشان بدهید و مراقبت و تحفظ کنید. شما هم تکلیفی دارید. پس ولو این‌که در آیه یک امر است ولی گویا غیر از این، امر دیگری به خاطر این نکته وجود دارد و آن امر دیگر این است که آن‌ها را وادارید و مراقبت کنید که اجازه بگیرند. آن وقت یک تکلیف خانوادگی و تربیتی برای آموزش دادن و ادب آموزی و تأدیب به این‌که اذن بگیرند و مراقبت بکنند وجود دارد. این احتمال دوم است. دلیلش هم این است. به همین دلیل وقتی شما به کتب مفسرین مراجعه بکنید، می‌بینید بسیاری از مفسرین از این استفاده کرده، می‌گویند این یعنی شما آنها را عادتشان بدهید. شما آن‌ها را امر بکنید.

سؤال: ???

آن را باید سؤال بعدی قرار بدهیم که ببینیم اگر این امر در آمد، آیا می‌توانیم از فضای بزرگ‌ترها و این‌ها که ارتباطات خانوادگی دارند و تعامل دارند، بیرون بیاوریم؟ بگوییم به طور کلی باید این را به بچه یاد داد. یا آنها الذین آمنوا کلی است یا نه؟ آیا اصل چنین چیزی هست یا نه؟ دلیلش چیزی است که اینجا آمده اما ممکن است کسی در این دلیل خدشه وارد کند، بگوید این‌که گفته شده و به مؤمنین خطاب شده که آن‌ها باید از شما اجازه بگیرند، این یک نکته‌ای می‌خواهد؛ اما این نکته منحصر در آن‌چه شما می‌گویید نیست. ممکن است نکته‌اش این باشد که می‌گوید خود شما هم باید تحفظی داشته باشید. به شما که خطاب می‌کند که آن‌ها باید اجازه بگیرند، یعنی آن‌ها باید اجازه بگیرند ولی چرا به شما گفتیم؟ برای این‌که خود شما هم باید مواظبت داشته باشید. طوری نباشد که در کشف احوال خلوتتان رها باشید. خود شما هم مراقبت بکنید. آن‌ها باید اجازه بگیرند. شما هم باید مراقبتی داشته باشید که به راحتی نتوانند رفت و آمد بکنند. برای خودتان حریم نگه دارید؛ اما این‌که به آنها هم یاد بدهید و مواظبت را به آنها آموزش بدهید ممکن است بگوییم در این نیست. برای این‌که این دلیل لبی است و ما دلیل لفظی نداریم.

از این‌که دنبال یا ایها الذین آمنوا لیستأذنکم آمده، چون می‌خواهیم این دو را به هم اتصال بدهیم و در یک مجموعه به هم مرتبط و مانوس کنیم که درست در بیاید، باید نکته و دلیل خاصی در کار باشد. ممکن است نکته‌اش این باشد که آنها باید اجازه بگیرند. شما هم باید تحفظ داشته باشید. این می‌تواند جواب برای آن استدلال باشد که سری و نکته‌ای می‌خواهد چون دلیل لبی است. یا ایها الذین آمنوا با امر غائب به دیگران، خطاب به شما باشد، امر به دیگران باشد.

اما این نکته دو چیز می‌تواند باشد: یکی این‌که شما هم کمی مواظبت داشته باشید دیگر این‌که آن‌ها را امر کنید و به این امر وادارید و این مسأله را یادشان بدهید. ممکن است اولی باشد و ممکن است دومی باشد. ممکن هم هست هر دو باشد. دلیل می‌خواهد ولی احتمال دو و سه تعیین ندارد. احتمال دارد فقط محافظت، تحفظ خودمان باشد. ممکن است امر به آن‌ها باشد. ممکن است هر دوی این‌ها باشد. چون دلیل لفظی در کار نیست بلکه یک نوع استظهار عقلی در آیه است، هر سه احتمال متصور است.



ممکن است نکته‌اش همان اولی باشد، دومی و سومی نباشد؛ و لذا به وضوح نمی‌شود این مسأله را استفاده کرد. منتهی ما این تردید را داریم. ولو این‌که غالب مفسرین ظاهرشان این بود که این‌جا امر به امر، به امر دومی است. یعنی دو امر در واقع این‌جا هست؛ اما ممکن است این شبهه را ما وارد کنیم که امر به امر و واداشتن شما، این‌جا یقینی نیست. احتمالش هست ولی یقینی نیست.

این شبهه‌ای است که اینجا مطرح شده. ولی با همه این‌ها پاسخی که می‌شود به این شبهه داد، این است که حتی اگر این نکته را هم بگوییم، باز یک امری وجود دارد و آن امر هم یک نوع مراقبت تربیتی است. یعنی حتی اگر بگوییم این آیه می‌فرماید که خودتان در این ساعات مراقبت بکنید، نگذارید راحت رفت و آمد کنند، این هم یک نوع مراقبت است. یعنی در واقع می‌خواهد او را حفظش بکند از این‌که آگاه به عورات و حالات خلوت و بدآموزی شود؛ و لذا در این آیه باز هم مراقبت جنسی است.

یک نکته تربیتی در آن است. حاصل سخن این است که ما عرضمان در این آیه، این بود که حتماً در دل این آیه «یا ایها الذین آمنوا لیستأذنکم» امر دیگری وجود دارد، غیر از لیستأذن، غیر از امری که به شما می‌کند که اجازه بگیرید، امری هم به این‌ها دارد که شما هم مواظبت کنید؛ اما این مواظبت چه طور است؟

ممکن است بگوییم فقط عین خود تحفظ خود پدر و مادر و بزرگ‌ترها را می‌گوید. ممکن است بگوییم علاوه بر این می‌گوید، آموزش هم بدهید. یعنی آموزش زبانی و ادب را به او یاد بده. ممکن است بگوییم آن‌چه که آیه می‌فرماید این است که به این مسأله هم توجه داشته باشید و این به صورت مطلق است. یا به شکل مواظبت، یا به شکل دیگری، بالاخره یک امر تربیتی و مراقبتی در این‌جا وجود دارد.

اگر شما خیلی سخت بگیرید که نمی‌شود از آن امر به امر در آورد، یعنی این‌که شما او را به این امر بکن. این را یادش بده. به این امر ادبش کن. لا اقل این است که خودت محافظت داشته باش. همین تحفظ هم نوعی آموزش به او است. نوعی صیانت از او است برای این‌که در مسیر شهوت‌انگیزی و برانگیختگی شهوانی قرار نگیرد. آیه می‌خواهد بگوید طوری مواظبت کن که برانگیختگی شهوانی پیدا نکند. تهیج شهوانی در او زمینه پیدا نکند. همین اندازه کافی است که در بحث ما بیاید. این نکته دقیق است. خیلی از مفسرین گفته‌اند: به پدر و مادر می‌گوید شما امر به استیذان بکنید. این امر به امر و تربیت جنسی است. گاهی هم در کتاب موسوعه الاحکام الاطفال، آقای که در پاورقی زده، گفته این‌جا امر به امر نیست و تکلیفی متوجه پدر و مادر نیست. ما می‌گوییم نه این، نه آن.

حتماً نکته ادبی آیه می‌گوید تکلیفی در اینجا وجود دارد؛ اما این تکلیف جمع می‌شود با این‌که امر به امر بکند، یا این‌که خودش مواظبت بکند. حداقلش مواظبت خودش است. همین مواظبت هم یک پیام تربیتی دارد. یک فعل تربیتی



است. گفتار تربیتی از آیه به دست نمی‌آید که برو یادش بده، ولی فعل تربیتی به دست می‌آید. یعنی مراقبت خود شخص که در ساعات خلوت برای خودش حریم درست می‌کند، یک نوع مراقبت تربیتی است. حداقلش این است. البته بیش از حداقل نمی‌توان مطمئن شد و لذا ما نمی‌گوییم در آیه امر به امر است. به اولیا امر شده که امر بکنید. ولی حداقل این‌ها امر شده‌اند به این‌که خودتان تحفظ بکنید. این هم نوعی فعل تربوی است و لذا آیه واقعاً مرتبط با بحث ما می‌شود. البته با دقتی که ما گفتیم. نه عین آنچه که مفسرین گفته‌اند با شکل جدیدی که ما عرض کردیم.

سؤال: ???

قدر متیقنش این نیست. آن‌ها باید بدانند کسی به عنوان این‌که اوامر الهی را خوب است همیشه انسان تبلیغ بکند به آنها بگوید. ولی این‌که آیه از یا ایها الذین آمنوا لیستأذنوا آن استفاده بشود، کمی تردید است. می‌گوییم حداقلش تحفظی است. بیش از آن خیلی واضح نیست. چون آن‌ها نمی‌دانند، برای تبلیغ احکام خوب است انسان به آن‌ها بگوید.